

سید جمال الدین اسدآبادی ایرانی است

در شماره سوم و چهارم سال جاری مجله گرامی ارمغان مقاله‌ای تحت عنوان نکته‌های حساسی از زندگی سید جمال الدین افغانی یا اسدآبادی و خلاصه‌ای از شرح حال او بقلم دانشمند محترم آقای محمد حسین استخر انتشار یافته که فی الواقع گوشه‌ای بطور اجمال از شرح زندگی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آن فیلسوف و ادیب نامدار و انقلابی مشهور میباشد .

البته نقش مهم سید جمال الدین اسدآبادی در نهضت‌های عظیم سیاسی و بیداری افکار آزادیخواهان در دوران اختناق فکری و بیخبری برای ما ایرانیان موجب افتخار و مباهات و تاریخ صدساله اخیر کشور ما نام او را بعنوان اولین انقلابی مشهور و سر باز راه آزادی و حریت ثبت نموده است .

با اینکه در باره « سید جمال الدین » تا کنون مقالات متعددی انتشار یافته و کتابی نیز توسط محقق ارجمند آقای مدرسی چهاردهی تدوین و تألیف گردید متأسفانه بعلمت عدم دسترسی به اسناد و مدارک کافی تکمیل نبوده خصوصاً به اصل و نسب آن سید بزرگوار هیچگونه اشاره‌ای نشده و ایرانی یا افغانی بودن او را بطور دقیق معلوم ننموده‌اند . راقم این سطور درباره موضوعی ضمن تورق به دوره‌های مجله ارزنده « ایرانشهر » که توسط دانشمند فقید حسین کاظم زاده ایرانشهر در چهل و اندی سال قبل در برلین طبع و نشر میشد . در شماره اول سال دوم سنه ۱۳۰۳ صفحه ۴۶ زیر عنوان مردمان بزرگ به شرح حال آن فیلسوف مصلح برخورد نموده‌ام که نقل آن مقاله بطور کامل برای خوانندگان مجله محترم ارمغان خالی از فایده نیست .

مردمان بزرگ

سید جمال الدین افغانی

شرح ذیل را آقای صفات الله خان اسد آبادی توسط آقای میرزا حسن خان آزر می و کیل ایرانشهر در همدان ارسال داشته‌اند و این شرح قسمت کوچکی است از کتابی که میرزا لطف الله خان اسد آبادی همشیره زاده سید جمال الدین که دو سال پیش وفات کرده و در هردو سفر سید بزرگوار به ایران در خدمت ایشان بوده تألیف کرده است (۱) گرچه در ترجمه حال سید معظم در جریده کاوه شرحی درج شده بود (۲) چون این مشروحه پاره‌ای مطالب و وثائق جدید دارد که مخصوصاً ایرانی بودن سید جمال الدین را ثابت میکند ما آنرا درج میکنیم و امیدواریم که بقیه این مشروحه اسناد جامعتر را داشته و حیات آن مرد بزرگ را روشنتر بسازد «ایرانشهر» تاریخچه احوال سعادت اشتمال حضرت سید جمال الدین را مرحوم پدرم از ایام صباوت تا آخرین وهله زندگانش که در اسلامبول مانند اجداد ظاهرینش به دست ظلم معاندین مسموم و شهید گردید از روی واقعیت نوشته‌اند و فعلاً موجود است و چون در ایران و بعضی نقاط سرگذشت آن بدر درخشان تا یک اندازه تاریک مانده است لذا بر حسب خواهش جناب آقای مجاهد آداب آقای محمد حسن خان آزر می اسد آبادی که یکی از جوانان برجسته آزادیخواه منورالفکر است یک قسمت از آن را که لازم بود استنساخ نموده تقدیم آن روح پاک نمود و امیدوارم به تأییدات خداوند متعال و مساعدت عناصر صالحه موفق بنویسن و طبع بقیه تاریخ آن سید

۱- توسط اداره مجله ایرانشهر به طبع رسیده است .

۲- ر : ك شماره ۳ و ۹ دوره جدید مجله کاوه منطبعه برلین بمدریت سید حسن

بزرگوار شویم .

« تبصره » سید جمال الدین تأهل اختیار نمود . و از اسباب دنیوی چیزی را قبول نکرد و با کمال سادگی زندگی خود را طی کرد دو نفر همشیره زاده داشت یکی میرزا لطف‌الله خان که یکنفر از فصلا و صلحاء این دوره بود و در سنه ماضیه با يك تاريخ درخشانی زندگی فانی را وداع و بحیات ابدی و رحمت ایزدی پیوست و دیگری میرزا شریف خان که فعلا هم حیات دارد و یکنفر برادرزاده موسوم به سید کمال الدین دارد که او هم فعلا بر حیات و در اسدآباد است .

مرحوم میرزا لطف‌الله خان که یکی از آزادیخواهان روشنفکر بود غالباً مقالات حکیمانه و ادبیات بارغش در جراید مرکز طبع و انتشار مییافت از تربیت یافتگان فیض حضور فیلسوف مشرق زمین حضرت سید جمال الدین اسدآبادی مشهور به افغانی بود و در دو وهله مسافرتش به پایتخت ایران در خدمت آن سید بزرگوار مشغول استفاده از فیوضات معنوی و کمالات صوری بود تا روزیکه از ایران حرکت فرموده اند میرزا لطف‌الله خان محرر مقالات سیاسیه فارسیه حضرت سید بوده اند علاوه از مقام قرابت که همشیره زاده اش هستند بستگی معنوی هم با آن روح پاک داشته اند زیرا که يك عشق سرشار و اعتقاد صافی به آن بزرگوار داشته اند . قصاید و مثنویاتی که در توصیفش سروده اند شاهد این مقال است همچنین سید هم محبت مخصوص با مرحوم والدین داشته اند و مکرر در مجمع عالی او را در حضور عالی ودائی بملاطفت و محبت نواخته بودند .

اینک سواد کاغذی را که از پاریس به مرحوم والدین مرقوم فرمودند بمناسبت زیلا مینگارم و پس از آن شروع بترجمه حال و حسب و نسب سید بزرگوار که به قلم والد نوشته شده میپردازد که علاقه مندان باین آب و خاک از حالش باخبر باشند .

همدان - ۲۲ شوال ۱۳۴۱ - صفات الله اسدآبادی

سواد مکتوب :

نور دیده میرزا لطف‌الله . مکتوب تو که کاشف بر حسن طویت و طهارت سریرت و لیاقت ذاتیه و استعدادات فطریه بود رسید بسیار خوش شدم خصوصاً عبارت آن که در نهایت انسجام و غایت ارتباط بود با مراعات تشبیهات انیقہ و استعارات بدیعہ - آفرین بر توباد جوانان را ادب زیب و زیور کمال است معیناً نباید بدین اکتفا نمود چون قناعت بحدی از درجات کمال با وصف اینکه اورا حد و پایانی نیست از دون همتی و پست فطرتی است. نوشته بودی برای زیارت من میخواهی بپارسی بیائی چنانچه زیارت من میائی باید مطیع شده اطاعت امر نمائی - حال موقع نیست زمان مناسب دیده و تورا خواهم طلبید - والا هر گاه خلاف امر نموده بیائی بعظمت حق سوگند است که اگر در شهر پاریس باشی روی مرا نخواهی دید - یاران زنده را سلام برسان مکارم اخلاق ناصری را مطالعه کن جمال‌الدین الحسینی .

تاریخ مولد و موطن و نسب و حسب سید جمیل القدر

جمال‌الدین اسدآبادی

چون در بعضی جراید تاریخ زندگی و ترجمه احوال مرحوم سید جمال‌الدین را از بی اطلاعی بر حسب واقع و صحت ننوشته‌اند و هنوز در افغانسی و اسدآبادی بودنش متردد و مراتب عالیہ و درجات متعالیہ و سعی و زحمات آن یگانه فرزانه و خدماتش در عوالم اسلامیت و تعزیز و اعلا داشتن دین مبین حضرت خیر المرسلین به اکثری از مسلمین بخصوص بر ما ایرانیان پوشیده و مستور و حسب و نسب و مولد و موطن آن بر هموطنان معلوم نیست لذا تاریخ مولود و موطن و جلالت قدر آباء و اجداد و مدت تحصیل و برخی حالات اورا برای آگاهی هموطنان عزیز تحریر داشت

که از علو مقام و سمو مرتبه اش خاص و عام مستحضر شوند .

فیلسوف اعظم اسلام سید جمال الدین قدس الله سره العزیز محقق است که جد کبارش از سنه ۶۷۳ هجری در اسدآباد تونطن و سکنی داشته اند. بعضی از نوشته جات و بخصوص از الواح قبور نیاگان و اجدادش که در جنب امامزاده احمد و محله سیدان که قرب خانه پدری و اجدادی سید جمال الدین واقع است از سنه هشتصد و شصت و دو الی یومنا هذا که چهار صد و هفتاد و هفت سال میشود اسامی اباء و اجداد او خلفاً بعد سلف و نسلاً بعد نسل معلوم میگردد و جد اعلای او را در همان سنه (۱۸۶۲) چون اجداد عظام و خودش شهید نموده اند .

غرض اباً عنجداً اسدآبادی و آن آفتاب از برج اسد طالع و لامع کشته و از سادات جلیل القدر و عظیم الشان بوده اند و هر يك حسب مراتبهم از علوم و کمالات صاحب مایه و بلند پایه بوده اند و در این ولایت به بزرگی و عظمت مشهور و بعضی را در الواح قبورشان با رفعت تام نام برده اند .

مثلاً نخبه الاکابر و نقبه الاخيار جلال الدوله والذین سید الصالح السعید - الشهید منقوش - ملقب بشیخ الاسلام و منسوب بقاضی - و در اسدآباد معروف بطایفه شیخ الاسلامی هستند گذشته از مراتب علمی بعضی بحسن خط نیز موصوف بوده اند چون میرزگی که عموی سید جمال الدین و میرزا جلال و میرزا جواد خالویان آن مرحوم که اگر بشرح احوال آنها بپردازد این مختصر مطول خواهد شد .

از طرف پدر و مادر متفرع از يك اصل و منشعب از يك شعبه اند خواص و عوام این ولایت را اعتقاد تام بشرافت و کرامت خانواده جلیله آنها بوده و هست و از قدیم الایام خانواده ایشان مرجع و ملجاء عموم اهالی ولایت بوده و در نزد حکام وقت و اعیان و اشراف نهایت احترام را داشتند و اکنون هم همان طریق را مرعی میدارند

از صغیر و کبیر و غنی و فقیر آن خانواده را محترم میدانند و بعضی کرامات و خوارق‌عادات را بآن سلسله جلیله نسبت میدهند که نقل و ورد زبانهاست والد ماجدش بزبور فنون علم و کمالات صوری و معنوی آراسته بسوده سیدی مظلوم و محبوب، ساکت و صامت حمیده اخلاق و در زهد و ورع طاق عذب اللسان و فصیح البیان با مرحوم شیخ مرتضی طاب ثراه معاصر و معاشر و رابطۀ و داد راداشت که او را امر بتوجه فتاوی امور مسلمین فرموده ولی او خود را آلوده اموردنیوی نمیکرد از ارباب رجوع کناره جوئی و با محل زراعت و باغ محقری که داشت قناعت و معیشت خود را میگذرانید و با اکثر پسرری چون سید جمال‌الدین را پدر و مربی و معلم است - هو سید صفدر بن سید علی بن میررضی‌الدین محمدالحسینی شیخ الاسلام میر اصیل‌الدین محمد الحسینی شیخ الاسلام - والده ماجده اش سکینه بیگم بنت مرحوم میر شرف‌الدین الحسینی القاضی که از علو مرتبت او سخنها در افواه است و با میررضی‌الدین برادر بوده و هر دو پسرهای میر اصیل‌الدین بوده‌اند و برادرهای عالیمقدار دیگر نیز داشته‌اند .

تاریخ تولد و طلوع آن مهر درخشان اعنی سید جمال‌الدین اسدآبادی در ماه شعبان (۱۲۵۴) هجری بوده تعیین نامش از اشعه جمالش بمصداق (ان الله جمیل و یحب الجمال) رهنمون آمده و فحوای (واذعلمتک الحکمة) از تبیین حال و ترجمه احوالش در صحائف و اوراق روزگار ثبت و بر جهانیان معلوم خواهد بسود چنانچه امروز در مغرب زمین و اکثر ممالک شرق بحکیم الشرق مشهور و در مصر و هند و سودان و افریقا و بین‌النهرین و روم و افغان کرورها نفوس از بردن اسم مبارک اوقیام و تعظیم و تقدیس مینمایند و ما ایرانیان از حقیقت حال و علو مرتبت و سمو منزلت آن مجدد خبیر و حکیم بصیر اطلاع نداریم .

هر گاه ترقی خواهان و دوستداران وطن طالب باشند ۱۸ نمره عروة الوثقی (مقالات جمالیه کلیتاً) رساله نیچریه در رد طبیعین ، حجة البالغه ، حملة القرآن ، تاریخ افغان ، فلسفه الدین و اللغة ، مشاهیر الشرق از تألیفات شیخ محمد عبده تاریخ الانام (چهار جلد است) بیانات میرزا محمد باقرخان بواناتی الملقب به ابراهیم جان معطر را علماء معروف معاصر خود شناسائی داشت از اوصافش همین بس که از بیروت و مصر بنخواهند تا رفعت مقام و سعی و زحمات آن وحید فرید در عالم اسلامیت معلوم گردد .

لیکن افسوس که بمقتضای العادة کالطبیعة الثانية این عادت بر ما چنان رسوخ یافته که در عوض توقیر و تعظیم و قدردانی علماء و بزرگان دین خود که روح الحیاء قوم و حامی شریعت مقدسه و ترقی خواه وطن هستند در تعظیم و احترام ظالمان و ستمکاران که خون ما را مکیده و اکنون هم از استخوانهای تفتیت شده ما دست برنمیدارند بیشتر سعی و کوشش مینمائیم و جد بلیغ داریم و هم چنین وجود مبارکی را که احیا کننده ملت و فخر ما ایرانیان و قاطبه مسلمانان است نمیدانیم کیست افغانی است یا ایرانی .

بایان

روزی عمر عبدالعزیز علیه الرحمه ابو قلابه را دید گفت : مرا پندی ده ، ابو قلابه گفت : ترا چه پند دهم . اگر اندیشه کنی خلیفه‌ای که پیش از تو بود کجا شد ترا هیچ حاجت به پند من و امثال من نباشد .
(احمد بن حامد)